

# علم اصول الفقه

٧٤

٩٠-٢-٣ تعريف علم اصول فقه

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني



## فلسفه‌ی علم، فلسفه‌ی مضاف

- فلسفه‌ی علم یا فلسفه‌ی مضاف این است که یک علم را از بیرون نگاه کنیم. نتیجه‌ی این گونه نظر کردن، چیزی است که از آن به فلسفه‌ی آن علم تعبیر می‌کنیم. در این نگاه بیرونی به یک علم، چیزی که موضوع مطالعه قرار می‌گیرد، یک دانش است.
- به طور مثال، علم اصول فقه، خودش یک دانش و معرفت است. ما به این معرفت از بیرون نگاه می‌کنیم و خود این معرفت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. آن مطالعه، فلسفه‌ی اصول فقه را تشکیل می‌دهد.

## تعریف فلسفه علم

- برخی دیگر گمان کرده-اند فلسفه-ی علم مجموعه-ای از مباحث فلسفی است که آن علم بر آنها استوار است و از این جهت به آن فلسفه-ی علم می-گویند.\*
- این گمان اگر چه از جهت نامگذاری صحیح است، ولی تعریف جامعی از فلسفه-ی علم نیست. مباحث فلسفی، بخشی از مطالبی است که یک علم بر آن استوار است.

## مبادی تصدیقی

- تعریف

- مجموعه‌ای از تصدیقات را که می‌تواند در فهم ما نسبت به مسایل علم و در رسیدن به نتیجه، تأثیر داشته باشد، مبادی تصدیقی می‌نامیم.

## مبادی تصدیقی

- پس مبادی تصدیقی علم اصول، مجموعه‌ی تصدیقاتی است که **می‌تواند** در مسایل علم اصول تأثیر بگذارد، اگر چه ممکن است در استدلال-هایی که در مسایل علم اصول به کار می‌روند، مستقیماً از این قضایا و تصدیقات استفاده نشود.

## مبادئ تصدیقی

- تقسیم مبادئ تصدیقی
- این مبادئ به دو بخش تقسیم می‌شوند:
- أ. مبادئ مشترک.
- ب. مبادئ مختص.

## مبادی تصدیقی

- مقصود از مبادی مشترک آن مبادی-ای است که به بخشی از مباحث علم اصول اختصاص ندارد و در تمام علم اصول ساری و جاری است.



## مبادی تصدیقی

- این مبادی می‌توانند در تمام مسایل علم اصول تأثیر بگذارند. بحث ثابت و متغیر در دین، بحث اشتراک عالم و جاهل در احکام و بحث چگونگی جمع بین احکام ظاهری و واقعی، از جمله بحث‌های مبادی مشترک تصدیقی است.

أ. ثبات و تغییر در دین

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

ج. جمع بین حکم ظاهری و واقعی

د. اجزاء

هـ. شرطیت قدرت در تکلیف

مبادی مشترک  
تصدیقی

## مبادی تصدیقی

- مبادی مختص، آن دسته از مبادی هستند که به بخشی از علم اصول اختصاص می‌یابند و به دو قسم تقسیم می‌شوند:
- ۱. آنها که به حجت لفظی اختصاص دارند.
- ۲. آنها که به حجت غیر لفظی اختصاص دارند.

## مبادی تصدیقی

- مواردی همچون حجیت ظواهر قرآن و روایات از سنخ حجت لفظی هستند. در واقع مهم-ترین حجیت لفظی، حجیت ظهور است و تمام مباحث الفاظ از مصادیق حجیت ظهور جست-وجو می‌کند.

## مبادی تصدیقی

- این نوع حجت، مبانی-ای دارد که از جمله‌ی آنها، پرسش زیر است:  
آیا متن شرعی مثل قرآن یا روایت، یک معنا دارد یا دارای معانی  
گوناگون است؟ این پرسش در نتیجه‌ی همان بحثی است که امروز  
تحت عنوان قرائت‌پذیری مطرح می‌گردد.

## مبادی تصدیقی

- فقها و اصولی‌ها معتقد بودند: «متن شرعی یک معنا دارد؛ اگر چه ممکن است یک فقیه و اصولی در کشف آن معنا موفق نباشد و شکست بخورد».

## مبادی تصدیقی

- بر اساس همین مبنا، مجموعه‌ی مباحث الفاظ علم اصول شکل گرفته و اجتهاد سامان یافته است.
- اگر کسی این مبنا را نپذیرد و قایل باشد که:
- لازم نیست معنای متن شرعی یکی باشد
- یا همچون هرمنوتیک‌های نسبی گرا بر این اعتقاد قرار گیرد که:
- اصلاً ممکن نیست متن شرعی دارای یک معنا باشد،
- کل ساختار اجتهاد بر هم می‌ریزد.

## مبادی تصدیقی

- با اعتقاد به تعدد معنای یک متن، جست-وجوی اصولی و فقیه، معنای خویش را از دست می‌دهد.
- اجتهاد فعلی بر اساس معنای واحد آیه و روایت است.



## مبادی تصدیقی

- «ظهور امر در وجوب» بر اساس پذیرش این فرض است که صیغهی امر در هر زمان و مکانی از هر متکلمی صادر شود، از دید عقلا ظهور در وجوب دارد. اگر این مبنا تغییر یابد، ساختار اجتهاد هم دگرگون می شود.

## مبادی تصدیقی

- مباحثی چون عقل، سیره و ارتکاز عقلا از مباحث حجت غیر لفظی به شمار می-آیند. این مباحث نیز بر یک سری مبادی استوارند که از آن جمله می-توان به مبنای زیر اشاره کرد:

## مبادی تصدیقی

- «از طریق عقل می توان حکم شرعی را استنباط نمود». اگر رسیدن به حکم شرعی از راه عقل ممکن نباشد و راه عقل در وادی کشف احکام و اعتبارات شرعی بسته باشد، دیگر معنا ندارد از حجت عقلی بحث کنیم و فصلی در اصول به نام حجت عقلی بگشاییم.

## مبادی تصدیقی

- این مبنا یکی از مواردی است که اهل سنت با آن بر شیعه اشکال می‌کند و شبیه آن اشکالی را که شیعه در مورد قیاس مطرح می‌نماید، آنها در مورد شیعه وارد می‌دانند. شیعه قیاس را باطل می‌داند و معتقد است که با قیاس نمی‌توان حکم شرعی را به دست آورد. نمی‌توان گفت: اگر چیزی شبیه چیز دیگر است، حکم آنها هم، مثل هم است. اهل سنت عین همین اشکال را در مورد عقل مطرح می‌کنند.

## مبای‌ تصدیقی

- از گذشته در بین فقهای شیعه معروف بوده که منابع احکام چهار عدد است: کتاب، سنت، اجماع، عقل. در نظر شیعه عقل یکی از منابع احکام است. اهل سنت معتقدند که عقل نمی‌تواند کاشف حکم شرعی باشد. عقل چگونه می‌تواند بفهمد که نماز دو رکعت است یا چهار رکعت؟ چگونه می‌تواند بفهمد روزهی رمضان واجب است یا روزهی محرم؟ در نظر آنها باب عقل در استنباط احکام مسدود است.

## مبادی تصدیقی

- این اعتقاد، اعتقاد افراد اندیشمند و صاحب نظر آنها است نه افراد عامی کم سواد یا بی سواد! مثلاً دکتر وهبه زحیلی، رئیس دانشکده‌ی فقه دانشگاه دمشق یکی از نویسندگان و صاحب نظران بزرگ اهل سنت در جهان معاصر است. در جمعی از بزرگان شیعه و سنی، همین اشکال را مطرح می‌نمود و از تمسک شیعه به عقل، تعجب می‌کرد. واضح است این اندیشه از تلقی نادرست در مورد بحث عقل و عدم تصور صحیح از این بحث ناشی می‌شود. در واقع اهل سنت تصویر درستی در مورد این بحث ندارند.

## مبانی تصدیقی

- با ذکر این مقدمه-ی کوتاه در این دفتر به بیان مبانی مشترک تصدیقی علم اصول فقه می-پردازیم.